

# اوپک و سازمان بازرگانی جهانی، همسازی یا ناسازگاری

دکتر بیتا شایگانی - عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور  
اعظم احمدیان - محقق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## چکیده

سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup> و سازمان کشورهای صادرکننده نفت<sup>۲</sup> دو نهاد مهم بین‌المللی هستند که بواسطه خاستگاه، حوزه فعالیت و عملکرد، متفاوت و منفک از یکدیگر به نظر می‌رسند. سازمان تجارت جهانی سیاستهای خود را با هدف گسترش و کسب عایدی بیشتر از تجارت جهانی و اوپک تصمیمات خود را با هدف کسب عواید نفتی هر چه بیشتر توجیه می‌کند. اما در عمل به جهت آنکه محصول تولیدی اوپک مهمترین نهاد تولید بشمار می‌آید و از سوی دیگر اعضای اوپک در زمره مهمترین واردکنندگان محصولات اعضای راهبر در سازمان تجارت جهانی (کشورهای صنعتی پیشرفته) می‌باشند لذا روابط دو سازمان مذکور بسیار مهم می‌باشد. این مقاله با نگاهی به ریشه‌ها، مواضع، دیدگاهها و سیاستهایی که هر یک از آنها در مقابل دیگری اتخاذ کرده‌اند نشان می‌دهد که اتخاذ مواضع و سیاستهای این دو نهاد بدون توجه به وابستگی اقتصادی که بین آنها وجود دارد بوده و تنها منافع یکسویه هر یک را (برای مدتی کوتاه) تأمین کرده است. ضمن مطالعه معلوم شد به دلیل ساختار اقتصادی بسیار وابسته به نفت اعضای اوپک، معرفی انرژیهای جایگزین نفت، عدم هماهنگی کامل بین اعضای اوپک به جهت عضویت همزمان برخی از آنها در هر دو نهاد و تأثیرپذیری شدید این کشورها از سازمان تجارت جهانی، عدم برخورداری کامل اوپک از ویژگیهای یک کارتل، نقش تعیین کننده مصرف کنندگان عمده نفت در سازمان تجارت جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی (فعال در حوزه‌های تجاری، انرژی و حقوقی) و قرار داشتن آنها در زمره مهمترین شرکای اوپک، اثرات منفی روابط متعارض این دو نهاد در مقابل هم می‌تواند بیش از همه متوجه اعضای اوپک باشد. از این رو در پیش گرفتن شیوه تعامل و همزیستی مسالمت آمیز می‌تواند از اثرات منفی بر اقتصاد این کشورها بکاهد. اما استفاده از این شیوه خود نیازمند تقویت پتانسیل‌های اقتصادی و آزادی از قید وابستگی به درآمدهای نفتی است.

## ۱. مقدمه

در عصر حاضر که آنرا عصر ارتباطات نامیده‌اند روابط بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. وجود این روابط مخصوصاً از بُعد اقتصادی تنها با کسب عایدی قابل توجیه است. این در حالی است که در دنیا شاهد ایجاد تشکلهای، سازمانها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشیم که هر یک برای تحقق بخشیدن به اهداف خود سعی می‌کنند. لذا روابط نهادهای مذکور با یکدیگر از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. دو نهاد سازمان تجارت جهانی و سازمان کشورهای تولید و صادر کننده نفت از جمله مهمترین نهادها در سطح اقتصاد بین‌الملل هستند که در بسیاری از مواقع به واسطه نقش و عملکردهای متفاوتی که در صحنه اقتصاد بین‌المللی بازی می‌کنند بعنوان دو نهاد کاملاً متفاوت و حتماً گاه متعارض در جهان شناخته می‌شوند. سازمان تجارت جهانی با تعیین و اجرای قوانین به شدت حامی بازار تصویری مبنی بر عدم دخالت در بازار ارائه می‌کند. در حالیکه اوپک با کنترل شدید روند تعیین قیمت نفت و به نمایش گذاشتن مدیریت عواید نفتی تصویری کاملاً معکوس به صورت مداخله متمرکز دولتی در مقابل نیروهای بازار را از خود ارائه می‌دهد. مشهورترین نهاد برای مذاکره و قانون گذاری در صحنه تجارت سازمان تجارت جهانی، و مهمترین نهاد مذاکره کننده و قانون گذار در حوزه مبادلات نفتی اوپک است. از این رو نقش کلیدی و محوری هر یک از دو نهاد مذکور در صحنه بین‌المللی و در حوزه تخصصی خود کاملاً واضح و روشن است. اما اینکه این دو سازمان می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذار باشند یا خیر؟ و شدت تأثیر گذاری آنها بر یکدیگر چقدر است؟ آیا اصولاً امکان همکاری بین این دو نهاد وجود دارد؟ سوالاتی هستند که مخصوصاً از بُعد اهمیت نفت در صحنه تجارت بین‌المللی بعنوان مهمترین کالای اساسی (به لحاظ حجم و ارزش مبادله) قابل تعمق می‌باشند. کسب عواید حاصل از نفت همواره از دیدگاه تولید کنندگان مهم نفت (یعنی اعضای اوپک که در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارند) بسیار مهم است.

دستیابی به نفت نیز برای مصرف کنندگان که عمده ترین آنها کشورهای توسعه یافته صنعتی با نقشی محوری در تصمیم گیریهای سازمان تجارت جهانی هستند، اهمیت بسزایی دارد. لذا دستیابی به نفت و کسب درآمد از آن همواره از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و حقوقی بین‌المللی محل بحث و مجادله بوده است. در این مقاله سعی می‌شود ضمن مروری کلی بر دو نهاد مورد بحث به لحاظ علل ایجاد، اهداف، ریشه‌های تفاوت، دیدگاههای اقتصادی و مواضع تعارض جویانه آنها در قبال یکدیگر امکان عملکرد آتی اوپک و سازمان تجارت جهانی به گونه‌ای که توأم با همزیستی مسالمت آمیز تر باشد مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲. اوپک و سازمان تجارت جهانی از دیدگاه کلی

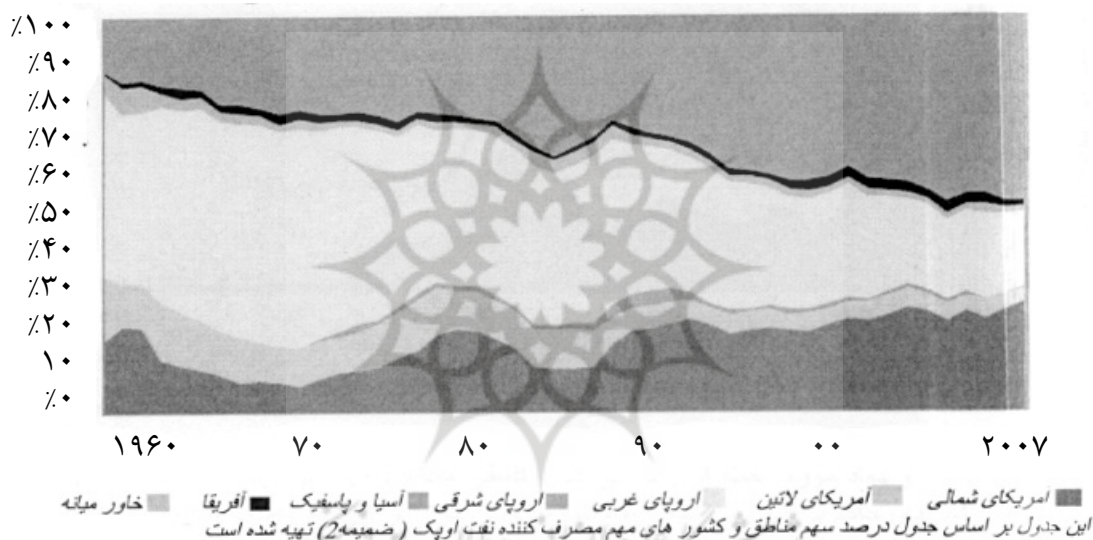
در سال ۱۹۶۰ اوپک توسط پنج کشور که دارای ذخایر عمده نفتی بوده و از مهمترین صادر کنندگان آن در جهان بشمار می‌آمدند تاسیس شد. این کشورها عبارتند از عربستان، ایران، کویت، عراق و ونزوئلا که بعدها بر تعداد اعضای آن اضافه شد. بطوریکه اکنون اعضای اوپک را افزون بر کشورهای مذکور، شش کشور لیبی، نیجریه، الجزایر، اندونزی، امارات متحده عربی و قطر نیز تشکیل می‌دهند. به لحاظ تاریخی تأسیس اوپک بر تأسیس سازمان تجارت جهانی تقدم دارد. در سال ۱۹۴۷ گات<sup>۳</sup> (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) با مدیریت ایالات متحده آمریکا و حمایت انگلستان بوجود آمد و در اول ژانویه ۱۹۴۸ به امضای ۲۳ کشور<sup>۴</sup> رسید. سی و هفت سال بعد (یعنی اول ژانویه ۱۹۹۵) گات از حالت تنها یک معاهده بین‌المللی در آمده و سازمان تجارت جهانی با حضور ۷۵ کشور (متشکل از اعضای پیشین گات و اعضای اتحادیه اروپا) بوجود آمد. صرف نظر از کشور آمریکا که دارای ذخایر عمده نفتی است اعضای این نهاد را غالباً کشورهای مصرف کننده تشکیل می‌دهند (نمودار ۱) که هم مصرف کننده نفت بوده و هم فاقد ذخایر مهم نفتی می‌باشند. اعضای راهبر این سازمان کشورهای توسعه یافته‌ای مانند آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و ژاپن هستند که بواسطه صنعتی بودن مهمترین مصرف کنندگان نفت و البته

خدمات شامل انواع خدمات و امور مالی، سرمایه، کالاهای کشاورزی و محیط زیست نیز در چارچوب توافقنامه گات - که در پایان همین دور تبدیل به سازمان تجارت جهانی شد - قرار گیرد. به عبارت دیگر سازمان تجارت جهانی را می توان يك سازمان چندبخشی در نظر گرفت درحالیکه اوپک به واسطه تمرکز فعالیتهايش تنها بر نفت سازمانی تک بخشی می باشد. با وجود تلاشهایی که اعضای اوپک در جهت متنوع سازی محصولات تولیدی و صادراتی خود نموده اند، اما همچنان نفت بیشترین سهم از صادرات این کشورها را به خود اختصاص می دهد (نمودار ۲) و لذا رشد اقتصادی آنها

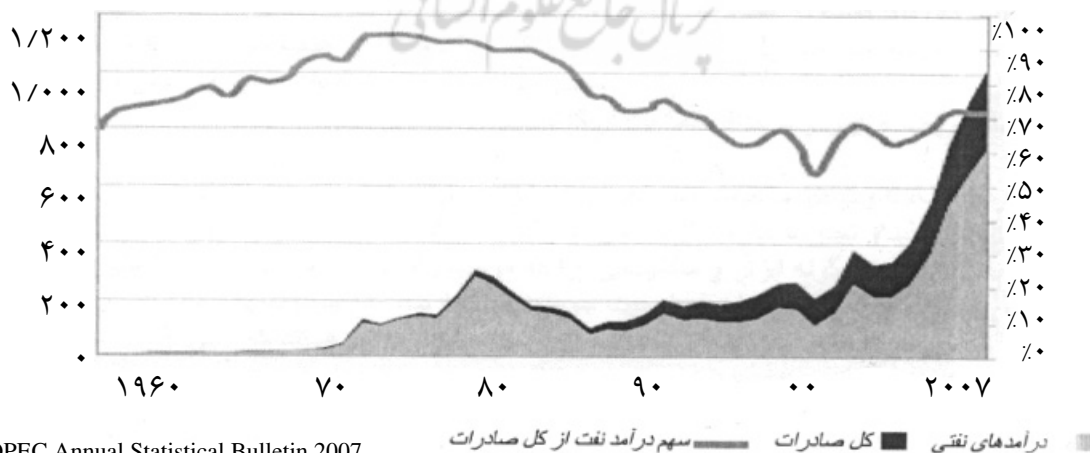
تولیدکنندگان کالا محسوب می شوند. در میان ۱۵۱ عضو فعلی این سازمان ۵ شش کشور اندونزی، کویت، نیجریه، قطر، امارات متحده عربی و ونزوئلا در زمره اعضای اوپک نیز هستند اما نقش مهم و تأثیرگذاری را بر جریان تصمیم گیری در این سازمان ندارند.

دامنه فعالیتهای سازمان تجارت جهانی بسیار گسترده تر از اوپک است. تا سال ۱۹۸۶ در توافقنامه گات تمرکز بر کاهش موانع صادرات و واردات مانند تعرفه در مبادلات بین المللی کالاها بود. اما در پایان نشست (دور) اروگوئه در سال ۱۹۹۴ مقرر شد که حوزه های جدیدی یعنی حقوق مالکیت معنوی،

**نمودار ۱: درصد سهم مناطق مختلف جهان از صادرات نفت اوپک**



**نمودار ۲: سهم درآمدهای صادرات نفت از کل صادرات اوپک (بیلیون دلار)**



کردن سود مشترک است. در حالیکه تفکر ایجاد اوپک عدم اعتماد به بازار است. به عبارت دیگر اگر صادرکنندگان نفتی اعتماد کامل به شرایط بازار داشتند هیچگاه نهادی مانند اوپک را تشکیل نمی دادند. از دیدگاه اعضای این سازمان، تجارت آزاد نفت به واسطه اسراف در تولید نفت موجب هدر رفتن منابع نفتی شده و به ضرر منافع مشترک آنهاست. لذا کنترل جریان تولید و صادرات با ابزارهای گوناگون (مانند قرار دادن سقف در عرضه محصول و یا تعیین بهای نفت) توسط دولتهای کشورهای صادرکننده نفت تنها راه حفظ و افزایش منافع مشترک است.

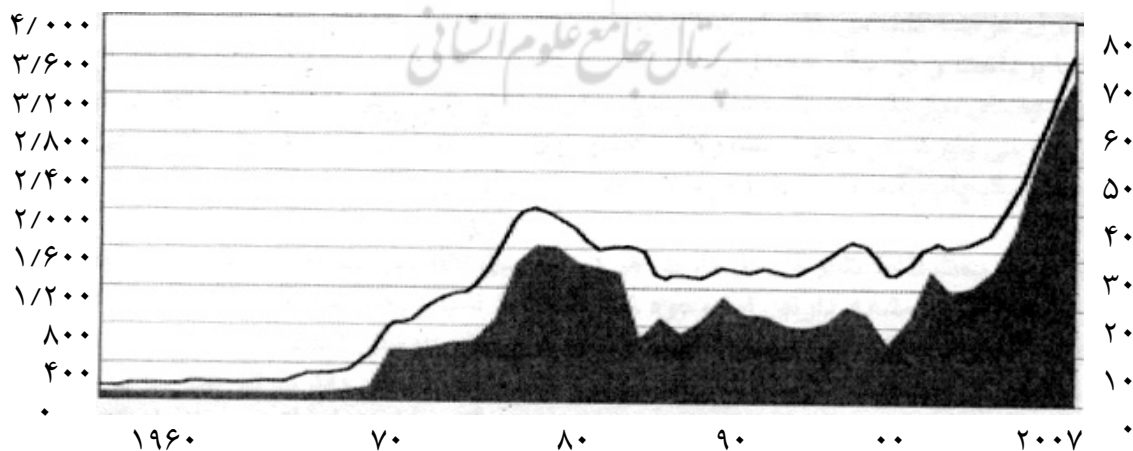
این دو سازمان به لحاظ هدف نیز با هم تفاوت دارند. افزایش استانداردهای زندگی، دستیابی به اشتغال کامل و رشد اقتصادی بالا کسب در آمد واقعی بالاتر و توسعه تولید و تجارت کالاها و خدمات از مهمترین اهدافی است که سازمان تجارت جهانی دنبال می کند. حال آنکه اوپک مهمترین هدف خود را حفظ و افزایش منافع کشورهایایی قرار داده است که به لحاظ تولید و صادرات عمده نفت در جهان عضو این سازمان شده اند. لذا هدف اصلی اوپک افزایش و یا حداقل ممانعت از کاهش بهای نفت می باشد.

تفاوت در اهداف، تفاوت در مکانیسمهای اجرایی را نیز به دنبال دارد. بر اساس تئوریهای پایه ای تجارت

به شدت به تغییرات بهای نفت وابسته است (نمودار ۳). به گونه ای که هر زمان قیمت نفت افزایش می یابد رشد اقتصادی در کشورهای عضو این سازمان رو به فزونی می گذارد.

با نگاهی به دو نهاد مورد بحث از بُعد زیربنای فلسفی مشاهده خواهیم کرد که فلسفه وجودی و منطق سیاسی و اقتصادی حاکم بر آنها با یکدیگر تفاوت زیادی داشته و از این رو اهداف و روشهایی که برای نیل به آنها پذیرفته اند نیز متفاوت می باشد. پس از پایان جنگ دوم جهانی دولتهای کشورهای درگیر جنگ بر آن شدند که برای بهبود اوضاع اقتصادی کشورها اقدام به نظام مند کردن جریان تجارت بین المللی بنمایند. اگر چه در آن زمان مذاکرات کشورها منجر به ایجاد سازمان بین المللی تجارت<sup>۷</sup> نشد و توافقنامه گات بوجود آمد اما ریشه فکری ایجاد گات / سازمان تجارت جهانی افزایش حجم تجارت جهانی و کسب منافع برای همه کشورها است و کسب منفعت از تجارت از طریق مشروط کردن سایر کشورها (با ایجاد موانع تجاری مانند تعرفه یا... ) مجاز نیست. به عبارت دیگر هدف رسیدن و یا افزایش آزادی در تجارت است. لذا کلیه مکانیسمهای اجرایی نیز بر اساس تئوری رقابت (مزیت نسبی) توجیه می شود. به عبارت دیگر زیربنای فکری سازمان تجارت جهانی اعتماد به بازار و اصول حاکم بر آن برای حداکثر

نمودار ۳: رشد GDP سرانه اعضای اوپک و بهای نفت طی سالهای ۲۰۰۷-۱۹۶۰ (دلار/ بشکه)





جهانی در بخش نفت است.

در طی نیم قرن اخیر اوپک با داشتن بیشترین سهم از ذخایر نفت جهان (۷۸٪)، بیشترین سهم از تولید و صادرات نفت جهان (حداقل ۵۰٪) را به خود اختصاص داده است (نمودار ۴ و ۵). حتاً با ورود رقبای جدیدی مانند تولیدکنندگان نفت حوزه دریای خزر و نروژ به جرگه تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت نیز این موضوع باز هم صحت دارد. همانطور که در سطور بالا اشاره شد، اقتصاد این کشورها نیز حداقل ۸۰٪ به درآمدهای نفتی وابسته است. (ضمیمه ۳). وابستگی به نفت در سایر کشورهای دنیا بیشتر به صورت وابستگی صنایع به نفت بعنوان ماده اولیه تولید است. در صحنه اقتصاد بین الملل، نفت همچنان مهمترین قلم کالاهای اساسی<sup>۸</sup> است و برای تولید هزاران نوع کالا استفاده می شود. اگر چه به واسطه سرعت یافتن رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای آسیای شرقی بویژه چین و هندوستان و نیز کشورهای اروپای شرقی حجم مصرف نفت (و در نتیجه قیمت نفت) افزایش یافته اما در عوض به دلایلی مانند یافتن و تولید هر چه بیشتر منابع انرژی جدید (مانند انرژی هسته‌ای، انرژی خورشیدی و...) بعنوان جایگزینهای نفت، رشد اقتصادی، در بخشهایی که وابستگی کمتری به نفت دارند (مانند خدمات) و ساختار اقتصادی منسجم و قوی خصوصاً در کشورهای صنعتی پیشرفته موجب شد تا از شدت وابستگی و بنابراین آسیب‌پذیری احتمالی ناشی از نوسانات بهای نفت در این کشورها کاسته شود. فزون بر این محصولات تولید شده در کشورهای پیشرو در صنعت، پس از شوک افزایش بهای نفت با قیمت گزاف تری نسبت به قبل به همان کشورهای صادرکننده نفت فروخته خواهد شد. این موضوع وقتی بیشتر قابل تعمق می شود که توجه داشته باشیم کشورهای پیشرفته صنعتی - بعنوان صادرکنندگان کالا و واردکنندگان نفت و مواد اولیه - از يك سو مهمترین شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک می باشند (ضمیمه ۳) و از سوی دیگر همانطور که پیش از این اشاره شد اعضای راهبر صحنه تجارت بین الملل و سازمان تجارت جهانی (به لحاظ سهم در تجارت بین المللی، قانون گذاری و

بین الملل رشد تولید و تجارت نیازمند آزادی در تجارت است. گات / سازمان تجارت جهانی در راستای تحقق بخشیدن به این هدف هر گونه ابزار و مکانیسمی را که موجب رقابتی تر شدن فضای بین المللی تجارت می شود، تشویق کرده و اجرا می نماید. ممنوعیت سوبسید در تجارت، منع محدودیتهای مقداری بر صادرات و واردات، کاهش تعرفه‌های واردات و یا حذف آن از جمله ابزارهایی هستند که طی ۹ دور طولانی مدت (ضمیمه ۱) برای نیل به هدف رقابتی تر شدن فضای بین المللی تجارت برای کسب سود بیشتر، بکار گرفته شده‌اند. در مقابل اوپک رقابت بین اعضای خود را برای حفظ سهم بازار تشویق نمی کند، بلکه اقدام به تعیین قیمت و کنترل عرضه نفت می کند. این سازمان طی دوره ۱۹۸۵-۱۹۷۳ و نیز در سال ۲۰۰۰ مستقیماً به تعیین قیمتها پرداخت و در سال ۱۹۸۵ عرضه نفت را کنترل کرد. قابل توجه است که تبعیت از توافق‌های حاصله بین اعضای سازمان تجارت جهانی - به رغم اینکه تعدادی بیش از ده برابر اعضای اوپک هستند - کاملاً صورت می پذیرد. در حالیکه کشورهای عضو اوپک در بسیاری از مواقع به توافقات فی مابین برای حفظ منافع مشترک پایبند نبوده و تنها منافع خاص خود را دنبال کرده‌اند.

دو سازمان مورد بحث نقاط مشترکی نیز دارند. هر دو سازمان اقتصادی بین المللی هستند و ساختار سازمانی و فرایند تصمیم‌گیری مشابه دارند. اما وجوه اشتراك آنها نسبت به وجوه افتراق اندک و کم اهمیت تر است. نکته‌ای که وجود دارد این است که اختلافات مذکور مانع پیوستن اعضای اوپک به سازمان تجارت جهانی نیست. برای عضویت سازمان تجارت جهانی، کشور مورد نظر باید بتواند تجارت بین الملل را به شرایط بازار رقابت کامل نزدیک کند و موانع تجارت را، همگام با شرایط حاکم بر سازمان تجارت جهانی، کاهش دهد. در حالیکه جهت عضویت در سازمان اوپک داشتن سهم عمده در تولید و صادرات نفت جهان شرط لازم است که البته این موضوع برای بسیاری از کشورهای جهان محقق نیست. لذا مسئله مهمی که در اینجا به نظر می رسد ایفای نقش سیستم گات / سازمان تجارت

می‌آورد. از جمله مهمترین این عوامل را می‌توان قرار نگرفتن سود صادرات در اصول گات و عدم عضویت صادرکنندگان مهم نفتی حتماً تا به امروز در سازمان تجارت جهانی، بی‌نتیجه بودن نهایی تعهدات خاص آزادی در مورد تجارت و یاورادات توسط اعضای سازمان تجارت جهانی، سیستم تورش دار در دستیابی به بازار تفکیک شده، ناکارایی این سازمان در زمینه اعمال قیود مقداری صادرات و روند منطقه‌گرایی برشمرد. ادامه به این عوامل به صورت مشروح می‌پردازیم.

### ۳-۱- عدم عضویت صادرکنندگان مهم نفتی در سازمان تجارت جهانی / گات

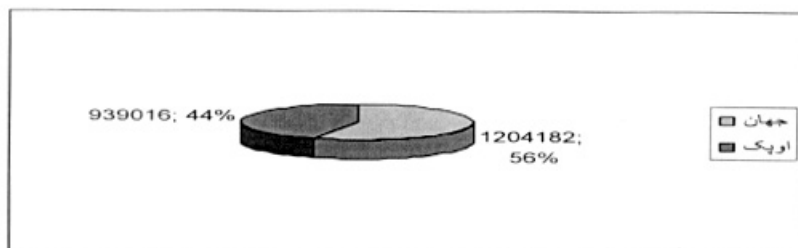
اعضای اوپک هیچ‌گاه نقش مؤثری در تأسیس نهاد سازمان تجارت جهانی یا گات نداشته‌اند. هرچند با گذشت زمان و افزایش تجارت بین‌المللی و نیز افزایش اعضای اوپک شاهد عضویت برخی از اعضای این سازمان یعنی کشورهای کویت، امارات متحده عربی، قطر، ونزوئلا، نیجریه و اندونزی در سازمان تجارت جهانی بوده‌ایم اما اولاً به لحاظ حجم ذخایر، تولید و صادرات نفت و در نتیجه تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سازمان اوپک، کشورهای مذکور در زمره اعضای مهم و کلیدی یعنی عربستان، عراق و ایران نمی‌باشند. بنابر آمارهای بین‌المللی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۷ سهم سه کشور اخیر از سهم ۷۸ درصدی اوپک از ذخایر ثابت شده نفت خام در جهان، معادل ۵۴٪ می‌باشد. بدیهی است که اگر سهم دو کشور لیبی و الجزایر (که تنها در عضویت اوپک هستند) را به سه کشور مورد بحث اضافه شود، خواهیم دید مجموع سهم شش کشوری که به عضویت هر دو سازمان درآمده‌اند بسیار کمتر شده و به ۳۲٪ از ذخایر و

تعیین روند جهانی تجارت) می‌باشند. شاید اگر بدانیم که در سال ۲۰۰۷ یازده کشور عضو اوپک در مجموع از GDP جهان ۲٪ و از سهم ۱۹ درصدی صادرات جهان از GDP جهان تنها کمتر از ۱٪ (تقریباً ۰/۹٪) سهم داشته‌اند، بیشتر بتوانیم پی به موقعیت ضعیف اعضای اوپک در اقتصاد بین‌المللی ببریم. از سوی دیگر مطالب فوق موید نقش مهم سازمان اوپک در اقتصاد جهانی، بعنوان مؤثرترین نهاد تصمیم‌گیری بر بهای نفت (که یکی از اصلی‌ترین عوامل تولید از دیدگاه مصرف‌کنندگان و نیز مهمترین منبع درآمد از دیدگاه تولیدکنندگان است) می‌باشد. از این رو ایفای نقش سیستم تجاری سازمان تجارت جهانی / گات در بخش نفت و اینکه اصولاً اوپک بعنوان یک نهاد اقتصادی دارای چه ساختار اقتصادی است؟ در بررسی ما راجع به تعامل یا تعارض این دو نهاد حائز اهمیت زیادی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### ۳- آیا سیستم سازمان تجارت جهانی / گات نقشی در بخش نفت بازی می‌کند؟

از بُعد توافق‌نامه‌های تجاری هیچ نوع استثنای خاصی در مورد محصولات نفتی وجود ندارد و تجارت محصولات نفتی مانند تجارت سایر کالاها بین اعضای سازمان تجارت جهانی تحت قوانین سیستم تجاری اداره می‌شود. با این وجود، اگر چه گات هیچ نوع حاکمیتی برای خارج کردن تجارت نفتی از سیستم تجاری خود اعمال نکرده است، اما ترکیبی از عوامل وجود دارد که ممانعت خاصی را برای تجارت بین‌المللی این محصولات (طبق ضوابط سیستم تجاری) بوجود

### نمودار الف - ۴: سهم اوپک از ذخایر نفت جهان در سال ۲۰۰۷



صادرات این ماده نمی‌برند. این موضوع موجب شده است که جداول تعرفه گات اساساً شامل هر گونه کاهش تعرفه بین کشورهای هم‌پیمان و تعهدات بازدارنده از جمله قرار دادن تعرفه بر واردات نفتی می‌شود. هر چند که تعرفه اعمال شده بر واردات این ماده پایین است اما کشورهای آزادند - تا زمانی که محدود نشده و جلوی آنها گرفته نشده است - تعرفه مطلوب نظر خود را به سطح مطلوبشان ارتقا دهند.

### ۳-۳- عدم توازن بین مواد قانونی اعمال شده بر صادرات و واردات در گات / سازمان تجارت جهانی

دستیابی به سیستم تجارت آزاد و متکی به بازار، هدف اولیه ایجاد سازمان تجارت جهانی است. این سازمان در راستای نیل به هدف خود از قیود مقداری و غیرمقداری وارداتی کاسته و یا آنها را برمی‌دارد. در شرایطی که انتظار توازن در قوانین و تعهدات می‌رود، بایستی بین قیود واردات (از دیدگاه صادرکنندگان) و قیود صادرات (از دیدگاه واردکنندگان) حالت تراز وجود داشته باشد. اما عملاً با اعمال قانون ممنوعیت مطلق وضع قیود مقداری صادرات و در عین حال قرار دادن استثنا برای اعمال این قانون و نیز عدم شفافیت در وضع مقررات و قیود غیرمقداری بر صادرات، توازن مورد بحث در قوانین رعایت نمی‌شود. این گونه رفتارها معمولاً با اهدافی مانند حمایت از صنایع فراوری داخلی، کمبودهای عرضه دوره‌ای، بهبود نرخهای مبادله تجاری و افزایش در آمد دولتها توجیه می‌شود. در مجموع همواره سازمان تجارت جهانی در مورد قیود صادرات نسبت به واردات موضع اهمال‌گرانه تری را در پیش گرفته است.

### ۳-۴- بی‌اثر بودن مقررات گات / سازمان تجارت جهانی در حوزه محدودیتهای مقداری اعمال شده بر صادرات، نگاهی به عملیات اوپک

ماده XI گات وضع هر گونه قیود مقداری بر صادرات و واردات را ممنوع می‌سازد؛ هر چند که بطور جداگانه توسط یک کشور یا چند کشور با مشارکت یکدیگر اعمال شود. اما این ماده توسط سازمان کشورهای تولید

کمتر از ۵۰٪ از تولید و صادرات نفت اوپک می‌رسد. ثانیاً شش کشور عضو هر دو سازمان، نقش تأثیرگذاری را بر روند تصمیم‌گیرها در سازمان تجارت جهانی نداشته‌اند. شایان ذکر است که در اوپک سیاست مؤثر و خاصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی وجود ندارد. انگیزه هر یک از اعضای اوپک برای عضویت در سازمان تجارت جهانی جذب عواید هر چه بیشتر صادراتی است که می‌تواند با عضویت در نهاد مذکور و تنوع بخشی در محصولات صادراتی - که غالباً از مشتقات نفتی بدست می‌آیند - تأمین شود. این کشورها به منظور ایمن‌سازی خود از وابستگی شدید اقتصادی به نفت خام، کاملاً به طور مجزا و بدون در نظر گرفتن تبعات ضمنی عضویت‌شان بر اوپک (بعنوان یک سازمان و در حالت کلی) و بر سایر اعضای اوپک (به طور خاص) در سازمان تجارت جهانی عضو شده‌اند. عبارت دیگر گرچه عضویت دو کشور نیجریه و اندونزی در گات مقدم بر عضویت‌شان در اوپک است اما همواره هر یک از اعضا در روابط‌شان با سیستم تجارت چندجانبه رویه خاص خود را در پیش می‌گیرد. لذا می‌توان گفت که در اوپک، هماهنگی در اتخاذ سیاست برون‌مرزی مؤثر بر منافع مشترک اعضا وجود ندارد. اتخاذ چنین شیوه‌ای در جریان تصمیم‌گیرهای تجاری با توجه به درجه متفاوت و زیاد (ضمیمه ۳) وابستگی کشورهای به صادرات نفتی می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

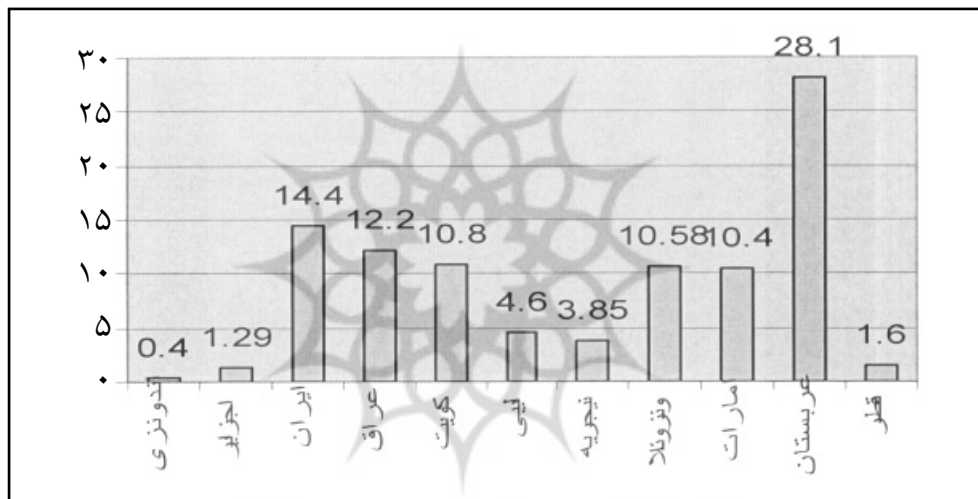
### ۳-۲- قرار دادن تعرفه برای واردات نفت توسط اعضای گات / سازمان تجارت جهانی

چنانچه پیش از این اشاره شد گات / سازمان تجارت جهانی با هدف دستیابی به سود بیشتر از تجارت (مازاد محصولات) ایجاد شد. اعضای مؤسس گات دارای مازاد تولید کالایی می‌باشند و در زمره کشورهای صنعتی قرار دارند. این کشورها غالباً سهم ناچیزی از ذخایر نفتی جهان داشته و یا حتی با داشتن ذخایر عمده نفتی صادرکنندگان مهم این ماده نمی‌باشند بلکه برعکس واردکنندگان مهم نفت بشمار می‌آیند. بعبارت دیگر گات ثمره جامعه صنعتی مصرف‌کننده نفت است و اعضای آن (بوژه اعضای راهبر آن) بهره‌ای از تولید و

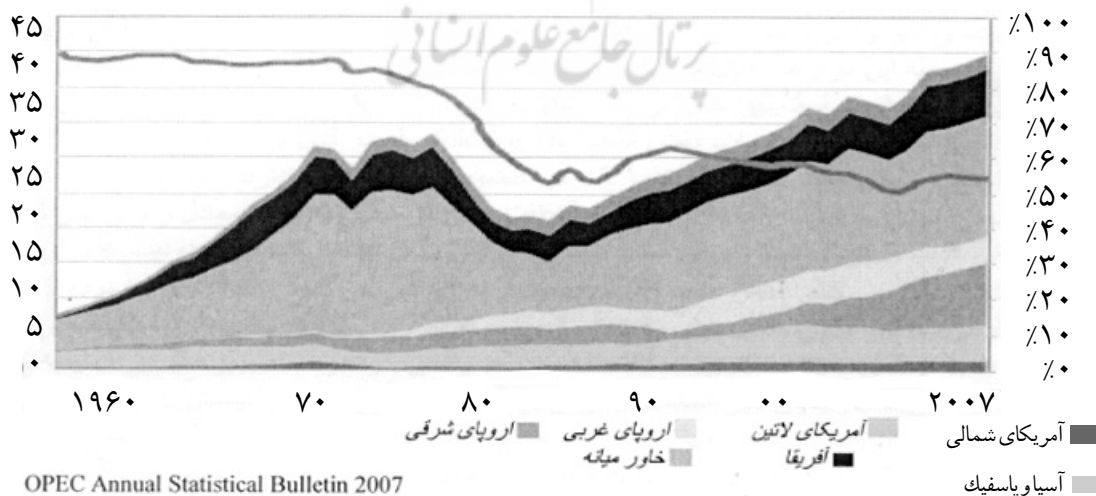
عضویت اوپک قرار ندارد. با دارا بودن منابع مهم نفتی و سهمی معادل به ترتیب ۳/۴٪ و ۳٪ از تولید نفت جهان در سال ۲۰۰۷ که معادل و حتاً بیش از سهم تولید برخی اعضای اوپک است. برای کسب سود از افزایش بهای نفت از اعمال محدودیتهای اوپک بر بهای نفت حمایت می کنند. نقض ماده XI تنها محدود به اوپک نمی شود. اتحادیه اروپا در واکنش به محدودیت عرضه نفت قانون حداقل بهای واردات را وضع کرده است. اگر چه اتحادیه اروپا، اعمال این قانون را مشروط به مواقعی می کند که قیمت کالاها به زیر حد واقعی خود برسد اما بهر حال این عمل به نوعی نقض ماده مذکور است.

و صادر کننده نفت رعایت نمی شود. زیرا اوپک هدف حداکثرسازی سود حاصل از درآمد نفت را دنبال می کند و با ابزارهای مختلف از کاهش بهای نفت به زیر حد مطلوب نظر این سازمان جلوگیری به عمل می آورد. از جمله این ابزارها اعمال محدودیت بر سطوح صادرات نفت، قطع عرضه نفت، یا ترکیبی از هر دو تعیین مستقیم قیمت است. بهر حال هر گونه محدودیت مقداری اوپک برای مقابله با کاهش بهای نفت به زیر حد تعیین شده در این سازمان، نقض مسلم ماده فوق الذکر است. قابل توجه است که برخی اعضای سازمان تجارت جهانی مانند مکزیک و نروژ که در

### نمودار ب-۶: سهم اعضای اوپک از ذخایر نفت در سال ۲۰۰۷



### نمودار ۵: مقایسه سهم صادرات نفت اوپک و سایر مناطق دنیا از کل صادرات نفت خام جهان





شایان ذکر است که علی‌رغم نقض این قانون توسط اعضای که به طور همزمان عضو هر دو نهاد سازمان تجارت جهانی و اوپک هستند، وجود ملاحظات سیاسی موجب شده که تاکنون سازمان تجارت جهانی از اقامه دعوی نسبت به چین کشورهایی پرهیز کند.

### ۳-۵- استثنا در اعمال محدودیتهای صادراتی

چنانچه بیان شد اعمال هر گونه قیود مقداری بر صادرات و واردات طبق ماده XI گات ممنوع است، اما اجازه محدود کردن صادرات در چند زمینه خاص که مهمترین آنها منابع تجدیدناپذیر است به اعضای این نهاد داده می‌شود. نفت که یکی از مهمترین منابع تجدیدناپذیر است همواره مشمول این مورد قانونی گات / سازمان تجارت جهانی می‌باشد. اما مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد آن است که آیا قیود مقداری مبتنی بر تصمیمات اوپک همچنان قیود و محدودیتهای مقداری تعیین شده در مذاکره سازمان تجارت جهانی بر سر منابع تجدیدناپذیر را تأمین می‌کند یا نه؟ به عبارت دیگر با وجود گذاشتن استثنا در اعمال ماده XI گات، گرچه سیاست کلی قطع یا کاهش تولید نفت اوپک بعنوان یک مقدار تعیین شده در مذاکره تأمین می‌شود اما آیا مقادیر خاصی را که آنها در پاسخ به کاهش بهای نفت تعیین می‌کنند نیز مانند مقادیر «مرتبط به» مذاکرات نفتی اعمال می‌شوند. جهت روشن تر شدن موضوع باید گفت هر چند در ماده فوق‌الذکر در مورد چگونگی ربط پیدا کردن مقادیر تجاری به مذاکره نفتی مطلبی بیان نشده است اما محدودیتهای مقداری فرم مبسوط تری از واردات نسبت به آنچه که ضرورتاً مشمول بحث منبع تجدیدناپذیر می‌شود در بر می‌گیرد. نکته مهم آن است که حتا در مذاکره بر سر منابع تجدیدناپذیر مقادیر تجارت هدف اولیه در نظر گرفته می‌شود. واژه «مرتبط به» نیز در بیان اهمیت مسئله مقیاسهای تجاری و نقش آنها در مذاکره نفتی بین اوپک و سازمان تجارت جهانی بیان شده است.

در زمان اعمال محدودیتهای صادراتی دو نکته مهم باید رعایت شود، که عبارتند از: اولاً اعمال این گونه محدودیتهای نایستی موجب تبعیض یا آریترایز بین

کشورها در شرایط یکسان شود. ثانیاً اجرای محدودیتهای مقداری مذکور مشروط به اعمال توانمان آنها با محدودیتهای بر تولید و مصرف داخلی است. قرار دادن چنین پیش شرطی به منظور آن بوده است که از استثنائات قانون در مورد منابع تجدیدناپذیر برای اهداف حمایت کنندگان استفاده نشود یعنی تحت شرایط گرانی واردات برای افزایش سهم بازار از تولید داخلی رقابتی استفاده نشود. بدین ترتیب به نظر قانون گذاران گات چنین پیش شرطی از منافع هیچ یک از کشورها حمایت نمی‌کند. اما از آنجا که این اعضای گات خود به اعمال محدودیتهایی می‌پردازند که ظاهری متفاوت از محدودیتهای مقداری داشته اما اثری مشابه و یکسان با آنها بر تجارت بین‌المللی دارد، لذا سیستم تجاری حمایت کافی را از حفظ منافع تولیدکنندگان و صاحبان منابع انرژی به عمل نمی‌آورد. بهر حال تصمیمات محدودیتهای عرضه اوپک اساساً با قطع تولید داخلی نفت و محدودیتهای تولید داخلی اجرا می‌شود لذا شرط قانون گات برای اعمال محدودیتهای مقداری بر صادرات در مورد منابع تجدیدناپذیر تأمین می‌کند.

### ۳-۶- تشکیل سازمانها و نهادهای منطقه‌ای

در برهه زمانی که سیستم تجاری گات رایج شد، کنترل منابع انرژی در اختیار کشورهای غربی بود. اما با آغاز و گسترش موج ملی‌گرایی در دهه ۷۰ میلادی، تأسیس اوپک و پذیرش «اصل مشارکت دولتی در حوزه تولید نفت» موجب شد تا بیش از گذشته کنترل این منابع بیشتر در اختیار تولید کنندگان آن قرار گیرد. توفیقهایی اوپک در استفاده از محدودیتهای مقداری بعنوان ابزاری جهت افزایش بهای نفت - که در سال ۱۹۷۳ مانند اسلحه‌ای برای کشورهای عرب از آن استفاده شد - این موضوع را برای جهان صنعتی روشن ساخت که سیستم تجارت چندجانبه اساساً برای کارکرد و تعامل در مواقع بحرانهای نفتی دارای ضعف است و در چنین مواردی کشورهای توسعه یافته وارد کننده نفت دستخوش قانون گذاریها و عملکرد خود می‌شوند. لذا در این دوره زمانی شاهد ایجاد نهادهایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی می‌باشیم که با هدف کاهش وابستگی به نفت و

تولید است.

در پیمان نامه نفتا که ایالات متحده نقش راهبری آنرا دارد فصل مشخصی به انرژی اختصاص یافته و مطالب آن بسیار به روح مطالب پیمان نامه ECT نزدیک است. در پیمان نفتا آمده است حق وضع هر گونه حقوق گمرکی، مالیات یا مواردی مشابه آن بر صادرات انرژی یا محصولات پتروشیمیایی نفتی و اولیه از سوی هر گروه نسبت به گروه دیگر ممنوع است. وضع قیود صادراتی تنها با دستیابی مطمئن به حد مطلوب عرضه انرژی قابل توجیه است. بنابراین در بسیاری موارد و مخصوصاً در حوزه انرژی روابط تجاری حاکم بر تشکل‌های منطقه‌ای، تفاهمنامه‌ها و منشورهای امضا شده بین کشورهای هم پیمان مصادیق نقض اصل عدم تبعیض حاکم بر این سیستم تجاری گات / سازمان تجارت جهانی و ماده XI گات می‌باشند. لذا می‌توان گفت سیستم مورد بحث نقش چندانی را در تجارت انرژی بازی نمی‌کند.

### ع- اوپک، کارتل یا تراست

در قسمت پیش مشخص شد که سیستم تجاری حاکم بر سازمان تجارت جهانی در بازار تجارت انرژی نقش مهمی ایفا نمی‌کند. در این بازار اوپک به لحاظ داشتن بیشترین سهم در ذخایر، تولید و صادرات نفت در جهان مهمترین نهاد عرضه کننده نفت می‌باشد. بدیهی است که ساختار اقتصادی حاکم بر اوپک و جایگاه آن در بازار نفت در ایفای نقش و کنترل این نهاد بر بازار مذکور اهمیت زیادی دارد. این موضوع مورد توجه مصرف کنندگان انرژی (که غالباً شرکای تجاری مهم اعضای اوپک می‌باشند) نیز هست. دیدگاهها و برداشتهای مصرف کنندگان انرژی نسبت به ساختار اقتصادی حاکم بر اوپک سبب واکنشهای مختلف آنها نسبت به تصمیمات اوپک شده است که در تعامل این دو نهاد می‌تواند مهم باشد و در این قسمت به آنها پرداخته می‌شود.

در ادبیات علم اقتصاد کارتل نهادی است متشکل از بنگاههایی که با هدف کنترل تولید یا قیمت محصول از طریق تثبیت قیمتها، سهمیه فروش یا تخصیص سهم

ایمن سازی کشورهای توسعه یافته صنعتی که وابستگی زیادی به واردات نفت داشتند، تأسیس می‌شود. این نهاد همواره با روشهای مختلفی مانند اتخاذ سیاست برای افزایش کارایی انرژی، ایجاد تنوع منابع انرژی مصرفی در سطح ملی و رواج استفاده از انرژیهای جایگزین نفت سعی در تأمین هدف کاهش وابستگی به نفت و اوپک داشته و دارد. فزون بر تأسیس آژانس بین المللی انرژی، ضعف سیستمهای تجاری در مقابله با بحرانهای نفتی و ایجاد اطمینان بیشتر در تأمین منابع انرژی پیامدهای دیگری را داشته که آن ایجاد تشکل‌هایی مانند اتحادیه زغال سنگ و فولاد اروپا و نفتا (توافقتنامه تجارت آزاد بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک)، منشور اروپایی انرژی (ECT)<sup>۱۰</sup> و تفاهمنامه انرژی (EEC)<sup>۱۱</sup> است.

از آنجا که اصل عدم تبعیض کامله الوداد، تبعیت اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری و انتظام‌هایی که موقتاً اتخاذ می‌گردد را از این اصل مستثنی کرده است لذا کشورهای عضو در تشکل‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه‌های گمرکی با بازار مشترک می‌توانند به یکدیگر امتیاز تعرفه‌ای اعطا کنند، بعبارت دیگر نهادهایی مانند EEC, ECT و نفتا نیز در خود مکانیسمهای خارجی را برای رسیدن به حداکثر منافع مشترک طراحی می‌کنند که می‌توانند در برخی موارد بسیار متفاوت و یا حتی فرم شدت یافته تری از اصول و مکانیسمهای گات باشد. بعنوان مثال در ECT که تفاهمنامه‌ای بین المللی است و شاخه‌ای از بدنه اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. هدف ایجاد یک بازار رقابتی تر بین احزاب و گروههای طرف پیمان، از طریق ایجاد جرح و تعدیل در قانون سرمایه‌گذاری، ترانزیت و تجارت در بخش انرژی است. در مواردی که این نهاد اقدام وضع حقوق گمرکی بر صادرات می‌کند همان هدف سازمان تجارت جهانی در وضع حقوق گمرکی بر صادرات، یعنی عدم تشویق صادرات و نه ممانعت و باز داشتن صادرات را دنبال می‌کند. با این تفاوت که در ECT اعمال فشار بر قیود صادراتی از دیدگاه رسیدن به حد مطلوب عرضه توجیه می‌شود. در حالیکه وضع قیود سازمان تجارت جهانی با هدف دستیابی به بازار جدید خارجی برای فروش مازاد

پایین تر اوپک در بازار نفت از سایر کارتلها در بازار حوزه فعالیتشان می باشد و نیز مواردی مانند عدم نگهداری موجودی سرمایه محافظ در برابر نوسانات و تحولات اقتصادی، نداشتن مکانیزمهای رسیدگی مجازات حداقل قیمت و... بیانگر تفاوت های مهم این سازمان را از دیگر کارتلها نشان می دهد. با این وجود مصرف کنندگان محصولات این سازمان، اوپک را یک کارتل در نظر گرفته و واکنشهای مختلفی را در برابر سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده این نهاد که هدف کسب سود بیشتر را دنبال می کند، نشان می دهند؛ هر چند که حفظ منافع مشترک اقتصادی نه فی نفسه چیز غلطی است و نه منحصر به اوپک است. اگر چه ائتلاف با هدف دستکاری قیمتها امری مذموم شناخته می شود اما اولاً تعارض با هیچ قانونی ندارد ثانیاً ائتلاف جهت مدیریت منابع طبیعی تنها محدود به اوپک نیست.

سازمان تجارت جهانی امکان بستن معاهدات چندجانبه بین عاملین خصوصی و سهمیه بندی بازار یا اعمال دخالت آنها در تعیین قیمت را مجاز می شمرد اما اعضای پیشرو در این سازمان که از مصرف کنندگان مهم نفت در جهان می باشند خود در عضویت پیمان نامه های

بازار به یکدیگر ملحق شده اند. بنابراین چنین تعریفی، اوپک را نمی توان یک کارتل در نظر گرفت چرا که کارتل از ائتلاف بین دو یا چند بنگاه خصوصی بوجود می آید حال آنکه اعضای اوپک را چند کشور مهم در عرصه تولید و صادرات نفت تشکیل می دهند و نه بنگاهها. عده ای نیز معتقدند برخلاف فرض مرسوم، تولید کنندگان و فروشندگان در کارتل می توانند شرکتهای خصوصی، دولتها یا ترکیبی از آنها باشند. بر این اساس اوپک کارتلی است متشکل از دولتهای مستقل که خارج از قانون رقابت ملی قرار می گیرد و مانند هر ائتلاف دیگری هدف کسب سود و منافع مشترک بیشتر را دنبال می کند. اما حتا اگر دولتی بودن اعضای کارتل و دخالت دولتها در بکار بردن ابزارهای کسب سود مشترک (مانند کنترل قیمت یا تولید) را بپذیریم باز هم نمی توان اوپک را یک کارتل کامل و صدر صدر در نظر گرفت. نگاهی به جدول شماره یک وجوه تمایز کارتل اوپک را از سایر کارتلها بهتر نمایان می سازد. حتا بدون در نظر گرفتن کارتل قهوه به دلیل تجدیدپذیر بودن این ماده طبیعی و نیز اینکه الزام قانونی برای داشتن حداقل سهم وجود ندارد باز هم سهم بسیار

جدول ۱- مقایسه کارتل اوپک با سایر کارتلهای بین المللی در منابع طبیعی<sup>۱۲</sup>

کالا	سهمیه	موجودی سرمایه محافظ در برابر تحولات و نوسانات بازار	حداقل قیمت	واکنشهای نسبت به قیمتهای دفاعی	حق رای بر اساس سهم*	مکانیزم رسیدگی و ممیزی (مجازات)	مکانیزم تنبیه (مجازات)	حداقل سهم بازار (درصد)	حداکثر سهم بازار (درصد)
الماس	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	۷۸	۹۰
قهوه	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	۹۰	۹۵
بوکسیت	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	۷۳	۸۱
قلع	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	۷۲	۸۶
کائوچو	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	۸۰	۸۰
نفت	دارد**	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	۳۱	۵۶

\* در اوپک حق رأی برای تمام اعضا به طور یکسان وجود دارد اما در عمل اعضای مانند عربستان و ایران که دارای بیشترین ذخایر و تولید و صادرات نفت هستند، نفوذی تلویحی بر تصمیمهای اتخاذ شده از سوی این سازمان دارند.

\*\* تا سال ۱۹۸۳ اوپک سیستم سهمیه نداشت در حالیکه سایر کارتلها بر اساس سیستم سهمیه تأسیس شدند.

به کنترل بهای جهانی اورانیوم و عرضه آن می‌پردازد. به این ترتیب می‌توان گفت اوپک کار تلی متشکل از کشورهای در حال توسعه است و هر نوع قضاوت ارزشی و پیش‌داوری نسبت به این نهاد مقبول نیست. با این وجود کشورهای پیشرو در صحنه تجارت و اقتصاد بین‌الملل و از جمله مهمترین آنها ایالات متحده

بین‌المللی دیگری با ماهیت اقتصادی مشابه کارتل اوپک که متشکل از دولتها است هستند. از آن جمله می‌توان به کارتل بین‌المللی اورانیوم<sup>۱۳</sup> اشاره کرد که ریشه فکری ایجاد آن موفقیت‌های پیشین اوپک در کسب عایدی بیشتر از صادرات نفت بوده است. این کارتل از طریق الگوی پیچیده تثبیت قیمت، مزایده و تخصیص بازارها

### ضمیمه ۱: ادوار گات / سازمان تجارت جهانی

نام دور	زمان شروع	طول مدت	موضوعات و اهداف پوشش داده شده
ژنو	آوریل ۱۹۴۷	۷ ماه	امضای توافقنامه گات - تعرفه
آنسی	آوریل ۱۹۴۹	۵ ماه	تعرفه
تورکوا	سپتامبر ۱۹۵۰	۸ ماه	تعرفه و کاهش آن تا سطح ۲۵٪
ژنو (II)	ژانویه ۱۹۵۶	۵ ماه	۲/۵ بیلیون دلار کاهش در تعرفه
دیلون	سپتامبر ۱۹۶۰	۱۱ ماه	تعرفه
کندی	می ۱۹۶۴	۳۷ ماه	تعرفه و عملیات ضد دامپینگ
توکیو	سپتامبر ۱۹۸۳	۷۴ ماه	کاهش تعرفه (تا بیش از ۳۰۰ بیلیون دلار)، مقادیر غیر تعرفه و تعیین چارچوب توافقنامه‌ها
اروگوئه	سپتامبر ۱۹۸۶	۸۷ ماه	ایجاد سازمان تجارت جهانی، کاهش تعرفه (تا حدود ۴۰٪)، مقادیر غیر تعرفه، کاهش سوبسیدهای کشاورزی، ارائه مجوز دستیابی کامل به منسوجات و پوشاک کشورهای در حال توسعه، گسترش حقوق مالکیت معنوی
دوحه	نوامبر ۲۰۰۱	تاکنون ادامه دارد.	کاهش تعرفه، مقادیر غیر تعرفه، کشاورزی، استانداردهای نیروی کار، محیط زیست، سرمایه‌گذاری، حق اختراع و ...

### ضمیمه ۲: سهم مناطق مختلف جهان از صادرات نفت خام اوپک ۱۹۸۷-۲۰۰۷

منطقه/سال	۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۹۱	۱۹۹۳	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۹	۲۰۰۱	۲۰۰۳	۲۰۰۵	۲۰۰۷
آمریکای شمالی	۲۰/۷	۲۲/۷	۲۲	۲۰/۷	۲۲	۲۳	۲۳	۲۶/۵	۲۳	۲۳/۶	۲۷/۶
ایالات متحده	۱۹/۱	۲۰/۹	۲۰/۱	۱۹/۵	۱۸/۷	۲۰/۲	۲۱/۱	۲۴/۸	۲۱	۲۱/۲	۲۵/۹
آمریکای لاتین	۵/۸	۴/۸	۴/۲	۴/۶	۴/۱	۴	۴/۵	۴/۸	۴/۲	۴/۴	۳/۸
اروپای غربی	۳۷/۵	۳۵/۲	۳۳/۸	۳۱/۴	۲۸/۴	۲۷/۸	۲۵/۹	۲۱/۷	۲۰/۵	۲۱/۵	۱۸/۴
اروپای شرقی	۳/۴	۳/۴	۱/۳	۰/۸	۱/۱	۱/۲	۰/۹	۰/۷	۰/۸	۰/۱	۰/۴
خاورمیانه	۲/۶	۱/۹	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۶	۱/۶	۱/۳	۱/۲	۲/۴	۱/۴
آسیا و پاسفیک	۲۷/۹	۲۹/۹	۳۴/۴	۳۸/۴	۴۰/۳	۳۹/۳	۳۸/۸	۳۹/۶	۴۳/۶	۴۳/۳	۴۵
آفریقا	۱/۸	۱/۵	۲/۱	۱/۵	۲/۷	۲/۸	۲/۷	۲/۷	۳/۲	۲/۸	۱/۹
سایر	۰/۴	۰/۵	۰/۶	۱	۱/۲	۱/۳	۲/۵	۲/۷	۳/۵	۱/۹	۱/۷



اوپیک بعنوان يك «موجود مستقل خارجی» و عدم برخورداری آن از امتیازات ویژه حاکمیت خارجی، این سازمان را ملزم به رعایت قانون ضد تراست کرد. بر این اساس تلاشهای گسترده‌ای جهت مبارزه با هرگونه عملیات تثبیت قیمت یا محدود کردن حجم تولید نفت آغاز شد. صدور این رأی با اعتراض اوپیک روبه‌رو شد و در نهایت با اظهار اینکه رأی دادگاه اولیه کاملاً در مورد سازمان اوپیک مصداق پیدا نمی‌کند این رأی شکسته و اعتراض اوپیک پذیرفته شد. شایان ذکر است که رأی‌های صادره از چنین دادگاههایی بسیار تحت تأثیر روابط دیپلماتیک بین اوپیک یا اعضای آن با سایر کشورها (مصرف کنندگان نفت اوپیک) است.

به این ترتیب مسئله کارتل بودن اوپیک به خصوص با در تملک داشتن بیش از ۷۵ درصد از ذخایر ثابت شده نفت جهان و برنده بودن آن در عرصه تعیین قیمت نفت (بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان نفت) و نیز عدم محدودیت تشکیل کارتل به داشتن مقدار سهم از بازار، امری محرز است. اما آنچه مهمتر است پیش داورها و قضاوت‌هایی است که در مورد اوپیک می‌شود. چرا که طرح دعاوی علیه عملیات اوپیک از جانب کشور یا کشورهای صورت می‌گیرد که خود از یک سو عضو نهادی مانند سازمان تجارت جهانی با هدف ایجاد رقابت در بازار برای کسب سود بیشتر از تجارت هستند و از سوی دیگر در قالب نهادهای بین‌المللی انرژی همان رفتاری را که اعضای اوپیک در ائتلاف خود برای کسب سود بیشتر دنبال می‌کنند تکرار می‌نمایند. در این بین آن تعداد کشورهای عضو اوپیک که هنوز به عضویت سازمان تجارت جهانی در نیامده‌اند می‌توانند از عدم کاربرد توافقه‌های رقابتی به توافقه‌های بین دولتها، موضوعات امنیتی یا مذاکرات منابع طبیعی سود درخور توجهی ببرند اما بیش از سایر اعضای اوپیک در معرض قضاوتها و طرح دعوی بر مبنای قانون ضد تراست می‌باشند.

## ۵- نتیجه

نهاد سازمان تجارت جهانی با زیربنای فکری اعتماد

آمریکا با بکارگیری قوانین بین‌المللی چندین مورد طرح دعوی نسبت به اوپیک داشته‌اند. این در حالی است که امضای توافقنامه بین تولید کنندگان نفت به سالها پیش از تشکیل کارتل اوپیک باز می‌گردد. در سال ۱۹۳۵ یک معاهده نفتی بین ایالات کشور آمریکا امضا شد و بر اساس آن یک سیستم مدیریت بین ایالتی بر عرضه نفت و سیاست تجاری بین کشورها حاکم شد. اوپیک نیز گونه‌ای از همین ائتلاف اما در سطح بین‌المللی است که برای حل مشکلات مازاد تولید و قیمت‌های پایین نفت و حفظ منافع صاحبان مهمترین منابع نفتی جهان ایجاد شده است. اگر چه ائتلافی مانند کارتل اوپیک ریشه در ایالات متحده آمریکا دارد اما این کشور پس از تشکیل اوپیک و تمایل به قرار گرفتن در دسته مصرف کنندگان نفت، تاکنون دو دعوی مهم بین‌المللی علیه اوپیک طرح کرده است. اولین بار در سال ۱۹۷۸ ائتلافی کارگری آمریکا مدعی شد که عملکرد اوپیک و اعضای آن (که در آن موقع شامل بر سیزده کشور بودند) با قوانین ضد تراست در آمریکا ضدیت دارد و تقاضای جبران ضرر کرد. اما در دادگاه به اوپیک بعنوان کارتلی متشکل از کشورها نگاه شد و لذا عملیات تثبیت قیمت، کشورهای اوپیک را یکی از امتیازات ویژه‌ای دانست که این نهاد بعنوان «دولت مستقل»<sup>۱۴</sup> می‌تواند از آن استفاده کند و لذا اوپیک از اتهام مبرا شد. دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا که عالیترین مرجع قضایی این کشور است موافقت صریح خود را به تثبیت قانونی قیمت اعلام داشته است. صدور این رأی نشان دهنده آن است که اصل رقابت مجسم در قانون ضد تراست فدرال نسبت به اهداف مذاکرات در مورد دو منبع طبیعی مهم یعنی نفت و گاز در درجه اهمیت پایین تری قرار دارد. به نظر دپارتمان قضایی آمریکا (در سال ۱۹۹۲) قوانین تعیین نسبت تولید نفت جز قوانین حکومتی بوده و در حوزه قوانین «ضد تراست فدرال» نمی‌باشد. با این حال کشور آمریکا دعوی حقوقی دیگری را در سال ۲۰۰۰ میلادی نسبت به سازمان اوپیک (و نه اعضای آن) مبنی بر تناقض عملیات این سازمان با قانون ضد تراست ایالات متحده آمریکا طرح کرد. ابتدا دادگاه با در نظر گرفتن

## ضمیمه ۳: نمای کلی از وابستگی کشورهای عضو اوپک به صادرات نفت

کشور	سهم مهمترین بخش در gdp	مهمترین اقلام تولید و صادرات	سهم نفت از صادرات	شرکای تجاری مهم	سایر
عربستان	صنعت ٪۶۰	نفت خام و فرآورده‌های نفت، فلزات	٪۹۰	آمریکا، ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، چین	دارای ٪۲۵ ذخایر نفت دنیا و بزرگترین صادرکننده نفت جهان است.
ایران	صنعت ٪۴۶	نفت، مواد شیمیایی و پتروشیمی، میوه، خشکیار و فرش	٪۸۰	ژاپن، چین، ایتالیا، فرانسه، آمریکا، کره جنوبی، آلمان، روسیه	
امارات متحده عربی	صنعت ٪۸۵/۵	نفت خام و گاز طبیعی، خرما، ماهی صادرات مجدد کالاها	-	ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، چین، آمریکا، فرانسه، آلمان	دگرگونی شرایط اقتصادی مدیون صرف مخارج دولت و مهیا کردن شرایط برای فعالیت بخش خصوصی است ٪۳۰ از gdp متعلق به نفت است
کویت	صنعت ٪۴۷/۹	نفت خام و فرآورده‌های نفتی	٪۹۵	ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، آمریکا، تایوان و هلند	بیش از ٪۵۰ gdp متعلق به نفت است
قطر	صنعت ٪۸۰/۱۸	گاز، فرآورده‌های نفتی و فولاد	٪۸۵	ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، امارات و عربستان	٪۶۵ gdp متعلق به نفت است. دارای سومین ذخایر گاز جهان است.
عراق	-	نفت خام و مواد خام نفتی به جز سوخت	٪۶۵	آمریکا، ایتالیا، کانادا و اسپانیا	حمله عراق به کویت، آمریکا به عراق مهمترین وقایع مؤثر بر اقتصاد این کشور بوده‌اند.
اندونزی	صنعت ٪۴۵/۵	نفت خام، لوازم الکتریکی، الوار و منسوجات	-	ژاپن، آمریکا، چین، سنگاپور و کره جنوبی، مالزی	فساد اقتصادی و بخش بانکی ضعیف مهمترین مشکل اقتصادی این کشور است.
الجزایر	صنعت ٪۶۰	نفت و گاز طبیعی	٪۹۵	آمریکا، ایتالیا، کانادا و اسپانیا، فرانسه و برزیل	٪۳۰ gdp متعلق به نفت است. دارای هفتمین ذخایر گاز جهان است.
نیجریه	صنعت ٪۴۸/۷	نفت خام و فرآورده‌های نفت، کائوچو و کائوچو	٪۹۵	آمریکا	٪۲۰ gdp متعلق به نفت است. نیمی از صادرات این کشور به آمریکا است.
لیبی	صنعت ٪۴۹/۹	نفت و گاز طبیعی	٪۹۵	فرانسه، آلمان، ایتالیا، ترکیه و آمریکا	٪۲۵ gdp متعلق به نفت است.
ونزوئلا	صنعت ٪۴۱/۹	نفت، بوکسیت، آلومینیوم، فولاد و محصولات کشاورزی	٪۸۰	آمریکا، هلند و کانادا	منبع مهم تأمین نفت خام آمریکا است.

بخش صنعت کشورهای مذکور را بیشتر نفت تشکیل می‌دهد.

تسلط‌شان به ذخایر طبیعی خود، امنیت دستیابی به بازارهای صادرات و عواید مطلوب و ضروری صادرات نفت جهت تأمین و حمایت از توسعه اقتصادی‌شان است.

نگاهی به عملکرد سازمان تجارت جهانی و اوپک از بدو تأسیس تاکنون نشان‌دهنده آن است که اعضای این دو نهاد یا سیاست «هدف وسیله را توجیه می‌کند» از اعمال فشارهای گوناگون و رفتارهای تعارض‌جویانه در برابر یکدیگر مانند کاهش شدید و حتا قطع عرضه نفت از یک سو و از سوی دیگر بکار گرفتن انواع ابزارهای حقوقی جهت متهم نمودن اوپک به تراست (تایک کارتل) فروگذار نکرده‌اند. بویژه قانون ضد تراست همواره تهدیدی جدی برای اعضای اوپک که هنوز در عضویت سازمان تجارت جهانی در نیامده‌اند می‌باشد. از آنجا که این گونه رفتارهای تعارض‌جویانه در بلندمدت جز اتلاف منابع برای طرفین و تشنج در صحنه اقتصاد بین‌المللی ثمره دیگری در بر ندارد. لذا محققین پیشنهاد می‌کنند تا دو نهاد مورد بحث به جای روبه‌های پیشین، طریق تعامل با یکدیگر (به گونه‌ای که پیش شرط‌های مدنظر طرفین تأمین شود) را یافته و دنبال کنند. از جمله راهکارهای پیشنهادی آن است که از یک طرف سازمان تجارت جهانی اقدام کند به برداشتن موانع و ایجاد تسهیلات عضویت نسبت به اعضای اوپک که هنوز عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، و از طرف دیگر اوپک متعهد به عرضه نفت در سطوح قیمت از پیش تعیین شده توسط بازار (و نه تحت دخالت دولت) مبادرت نماید. چنین سیاستی اگر چه می‌تواند برای اعضای اوپک جذب سرمایه‌گذارهای کلان و دستیابی به بازارهای فروش وسیعتر و کسب سود بیشتر از مزیت کاهش قیمت (که البته به نفع مصرف‌کنندگان نیز هست) را به دنبال آورد اما از سوی دیگر می‌تواند منجر به کاهش شدید بهای نفت شود. بنابراین تعهدات سمت عرضه نفت چنانچه محدود به «حذف نوسانات شدید و غیر ضروری» و در نتیجه ایجاد جو اطمینان و پیش‌بینی در بازار نفت شود، نه تنها به ثبات اقتصاد جهان کمک می‌نماید بلکه به موقعیت اوپک بعنوان تنها منتفع‌مستقیم (و نه انحصاری) در بازار نفت خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. از دیدگاه محققین تنظیم بیانیه‌ای موید و موکد حاکمیت ملی بر منابع طبیعی می‌تواند گام مؤثری برای

به بازار و اصول حاکم بر آن برای حداکثر کردن سود مشترک تحت شرایط رقابت بوجود آمده است. بنابراین در سیستم تجارت چندجانبه که هدف افزایش حجم تجارت جهانی و کسب منافع برای همه کشورها دنبال می‌شود کسب منفعت از تجارت از طریق مشروط کردن سایر کشورها (با ایجاد موانع تجاری مانند تعرفه یا...) مجاز نیست. به عبارت دیگر هدف آزادسازی تجارت و یا افزایش آن، کلیه مکانیسمهای اجرایی بر اساس تئوری رقابت (مزیت نسبی) را توجیه می‌کند. در حالیکه زیربنای فکری تأسیس اوپک عدم اعتماد به بازار و یا حداقل کسب سود از بازار غیر رقابتی است. اعضای اوپک هدف، عملکرد و سیاست‌گذارهای خود را با در تملک داشتن بیشترین ذخایر، تولید و صادرات نفت در جهان توجیه می‌کنند و مدعی هستند که عملکرد تحت شرایط رقابت منجر به کاهش شدید یا از بین رفتن منابع طبیعی آنها می‌شود. تشکیل اوپک و اهمیت یافتن امنیت انرژی در صحنه بین‌المللی موجب توافقات منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور اتخاذ سیاست‌گذارهای تازه برای تولید، صادرات و واردات انرژیهای گوناگون (نفت، زغال سنگ، اورانیوم و...) و حتا صدور کالا، بین مصرف‌کنندگان نفت شد. این در حالی است که مهمترین مصرف‌کنندگان این محصول اعضای راهبر در سازمان تجارت جهانی می‌باشند. تحت چنین شرایطی به نظر می‌رسد که دو سازمان اوپک و تجارت جهانی دو نهاد متعارض با یکدیگر باشند. اما از سوی دیگر به دلیل اینکه مهمترین شرکای تجاری اوپک را همان اعضای مؤثر بر تصمیمهای سازمان تجارت جهانی تشکیل می‌دهند لذا تعامل دو نهاد مورد بحث امری اجتناب‌ناپذیر است. این موضوع وقتی قابل توجه‌تر می‌شود که برخی کشورهای صادرکننده نفت عضو مشترک هر دو سازمان مذکور هستند. اگر چه به نظر اعضای راهبر سازمان تجارت جهانی الگوی توافقنامه‌های بین‌المللی راه‌حلی برای رفع ناتوانی سیستم تجارت چندجانبه در تجارت انرژی است اما به جهت اینکه منطقه‌گرایی ریشه در فلسفه تبعیض دارد لذا کشورها به جای انجام توافقات منطقه‌ای بایستی در پی یافتن زمینه‌های مشترک باشند. این امر مشروط به تأمین خواست مصرف‌کنندگان از عرضه منظم و کافی نفت (در قیمت‌هایی که آنها توانایی پرداخت و کسب سود مورد نظر را دارند) و اطمینان تولیدکنندگان از حق

- commodity cartels: a comparison”, *Energy Policy* 28 (15): 1151-1164
13. International Uranium Cartel
14. Sovereign Component

### منابع

1. Geboye Desta, M. (2003), “The Organization of Petroleum Exporting Countries, the World Trade Organization, and Regional Trade Agreements”, *Journal of World Trade* 37 (3): 523-551.
2. *The OPEC Annual Statistical Bulletin*, 2007 Vienna, Austria.
3. *World Oil Outlook* (2007) Vienna, Austria  
www.opec.org
4. “Might a WTO agreement on competition constitute a threat to OPEC?” UNCTAD series on questions of competition law and policy, UNCTAD/ DITC/ CLP/ 2003/11
5. Ringborg, E. (2007), “Cursed Exports? Natural Resource Endowment, Trade Policy and the WTO”, Master Thesis, Lunds University.
6. Al- Moneef, M., (2003), “Internal Challenges to OPEC and Its Member States”, *Middle East Economic Survey*, VOL. XLVI, No 46.
7. Tvedt, J., (1999), “Crude Oil Industry Dynamics: A Leader/ Follower Game between the OPEC Cartel and Non- OPEC Producers”, *DnB Markets, Economic Research*, Norway.  
www.realoptions.org/papers/1999/TVEDT.PDF
8. Chalabi, F. (1997), “OPEC: An Obituary”, *Foreign Policy*, No. 109, p 126-140.  
www.foreignpolicy.com/Ning/archive/archive/109/opecobit.pdf
9. Alhadj, A.F. et Huttner, D. 2000, “OPEC and other commodity cartels: a comparison”, *Energy Policy*, 28 (15): 1151-1164
10. “Busting Up The Cartel: The WTO Case Against OPEC”, A Report From the Office of Senator Frank R. Lautenberg, U.S.A.  
lautenberg.senate.gov/documents/foreign/OPEC%20Memo.pdf
۱۱. آذری، م. (۱۳۸۶)، «ایران و سازمان تجارت جهانی: فرصتها، چالشها»، گزارش ویژه مطالعات امنیت اقتصادی، شماره ۵، مؤسسه تحقیقات اقتصادی تدبیر.

از بین بردن و اهمیت اعضای اوپک در تسلط بر منابع نفتی خود و در نتیجه تحقق اهداف راهکار پیشنهادی فوق باشد. با این همه کسب سود به طریق مذکور امری بسیار دشوار است. زیرا اگر چه الحاق کشورهای تازه به سازمان تجارت جهانی و گسترش حجم مبادلات تحت پوشش سیستم تجاری مورد تأکید این نهاد، موجب تحمیل سود کمتر تجارت به اعضای اوپک (بوئیه آنها که هنوز در عضویت سازمان تجارت جهانی در نیامده اند) شده و در نتیجه به نظر می رسد این کشورها بایستی از موقعیت های ایجاد شده جهت پذیرش در سازمان تجارت جهانی استقبال کنند اما ساختار اقتصادی به شدت وابسته به نفت اعضای اوپک و داشتن شرکای تجاری مهم که از اعضای راهبر سازمان تجارت جهانی هستند از موانع اصلی اجرای سیاستهای پیشنهادی فوق الذکر و یا مشابه آن می شود. بنابراین چنانچه پیش از اجرای سیاستهای پیشنهادی فوق الذکر و یا مشابه آن نتوانند ساختار اقتصادی خود را از وابستگی شدید به نفت رها کنند تبدیل به بازارهایی گسترده برای فروش هر چه بیشتر محصولات متنوع تولیدی سایر کشورهای مصرف کننده نفت و از دست دادن تسلط بر منابع طبیعی و اقتصاد خود می شوند.

### یادداشتها:

1. World Trade Organization (WTO)
2. Organization of The Petroleum Exporting Countries (OPEC)
3. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
۴. استرالیا، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، آفریقای جنوبی، برزیل، برمه، بلژیک، پاکستان، جمهوری چک، چین، رودزیای جنوبی، سیلان، سوریه، شیلی، فرانسه، کانادا، کوبا، لبنان، لوکزامبورگ، هلند، هند، نروژ و نیوزلند  
۵. اکتبر ۲۰۰۷
6. International Trade Organization (ITO)
7. “Unconditional most favored nation Principle”
8. Primary goods
9. OPEC Annual Statistical Bulletin 2007
10. Energy Charter Treaty
11. European Energy Charter
12. Alhadj, A.F. et Huttner, D, 2000, “OPEC and other